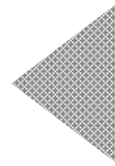


آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی ایران^۱



اسما عزیزی^۲

محمدیمینی دوزی سرخابی^۳

اباصلت خراسانی^۴

حمید رضا آراسته^۵

(تاریخ دریافت ۹۹/۳/۳۱ - تاریخ تصویب ۹۹/۶/۲۴)

نوع مقاله: علمی ترویجی

چکیده

هدف این پژوهش آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی ایران است. این پژوهش از نظر روش، کیفی و از نوع توصیفی اکتشافی است و با استفاده از مدل سه شاخگی انجام پذیرفته است. جامعه آماری پژوهش سه گروه صاحب نظران و خبرگان آموزش عالی، سیاستگذاران آموزش عالی و هیات علمی یا مدیران ارشد دانشگاه های غیردولتی بوده اند. نمونه گیری هدفمند ملاک محور و با استفاده از روش گلوله برفی انجام شده است. برای تحلیل داده ها از

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته مدیریت آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی می باشد
۲- فارغ التحصیل دکتری تخصصی مدیریت آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) a.azizi1388@yahoo.com
۳- استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی
۴- دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی
۵- استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

روش مقوله بندی باز استفاده شده و مقولات مربوط به هر قسمت از آسیب های ساختاری، کارکردی، و محیطی کدگذاری شد. و تحت ۸ آسیب اصلی مفهوم پردازی شد. در قسمت آسیب های ساختاری تحت سه مقوله اصلی قانونی، سیاستگذاری، و مدیریتی و سازمانی، در قسمت آسیب های کارکردی تحت سه مقوله آموزش، و پژوهش و اشتغال، در قسمت آسیب های محیطی تحت سه مقوله فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی قرار گرفت. هم چنین بر اساس یافته های پژوهش راهکارهایی از جمله بازنگری در مقررات و ضوابط جاری وزارت علوم، حمایت از بورسیه شدن مریبان دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی جهت بهبود هرم هیأت علمی در این واحدها، افزایش اختیارات هیأت مؤسس و امانا جهت تسهیل در تصمیم گیری های مربوطه، استقرار نظام اعتبار سنجی و اعتبار بخشی دانشگاه ها، و تدوین سند آمایش سرزمینی برای آموزش عالی ارائه شد.

کلید واژه ها: آسیب شناسی، خصوصی سازی آموزش عالی، سیاستگذاری، پژوهش و اشتغال، تامین مالی

مقدمه

آموزش عالی همواره ارتباط نزدیکی با حیات و پیشرفت جوامع بشری داشته است. هم چنانکه آموزش عالی توسعه می یافت، انواع جدید موسسات به طور غیر قابل اجتنابی به منظور پاسخ دادن به تقاضای زیاد دانشجویان و همچنین فراهم کردن آموزش و تعلیم متنوع برای متقاضیان نامتجانس تر، اضافه شدند. افزایش تقاضا برای آموزش عالی ناشی از افزایش جمعیت، افزایش ترکیب جمعیتی متقاضیان (افزایش تقاضای زنان و افراد بالای ۲۵ سال)، افزایش نرخ بازگشت خصوصی آموزش عالی، تحولات فناوری سریع در عصر جهانی که مستلزم شایستگی های جدید و متغیر و مهارت های یادگیری مادام العمر و بحران اقتصادی و فشار مالی ناشی از آن از توانایی بخش دولتی در حمایت مالی کافی و مستمر توسعه بخش آموزش عالی کاسته است (وارقسه، ۲۰۰۴) و وضعیت منابع و اعتبارات به دولت ها اجازه گسترش بیشتر آموزش عالی دولتی را نمی دهد همچنان که تیلک (۲۰۰۹) هم اشاره می کند یارانه ها و اعتبارات دولتی آموزش عالی اگر به طور کامل حذف نشود به شدت کاهش خواهد یافت. به دلیل این فشارهای

مالی، هم چنین توانایی موسسات خصوصی برای پاسخ دادن سریع تر به تقاضاهای جدید، رشد آموزش عالی خصوصی که دسترسی گسترده تر و تنوع را فراهم می کرد، به سرعت شتاب گرفت و انواع مختلف برنامه های خصوصی سازی با توجه به کارایی، برابری، ترویج انسجام اجتماعی و آزادی انتخاب، به عنوان یک راه حل بالقوه برای غلبه بر این مشکلات، آزموده و به کار گرفته شدند (یلدیریم، ۱، ۲۰۱۴). دانشگاه ها و کالج های خصوصی غیرانتفاعی در حال حاضر بخش عمده ای از نظام های آموزش عالی بسیاری از کشورها را تشکیل می دهند. چنین دانشگاه هایی حتی در کشورهایی که قبلاً بخش خصوصی آنها فعال نبوده، در حال ظهور است (به عنوان مثال مالزی و مجارستان) (جایگر، ۲، ۱۹۸۶). این بخش های خصوصی می توانند در حوزه های کیفیت، جهت گیری و تمرکز و همچنین جنبه های حمایت و تأمین مالی، کاملاً متفاوت باشند. (آلتباخ، ۳، ۲۰۰۷)

خصوصی سازی مراکز آموزش عالی اساساً برای تحقق اهدافی چون افزایش کیفیت آموزش عالی، ارضای نیازهای متنوع فراگیران، ایجاد تنوع در محتوای آموزش، تنوع در روش های عرضه ی مطالب، کاهش فشار ناشی از انتظار مردم از دولت و استحکام بیشتر نظام آموزش عالی صورت می گیرد که گفتنی است این اهداف، ضمن مهم، جالب و صحیح بودن، معمولاً در قالب بحث های نظری مورد توجه قرار می گیرند، ولی چگونگی تحقق آن ها از راه خصوصی سازی جای تامل بسیار دارد (تسنیمی و سجادی، ۱۳۸۰).

در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نیز برنامه ی خصوصی سازی به عنوان یک سیاست لازم الاجرا جهت رسیدن به توسعه ی اقتصادی و اجتماعی مورد پذیرش واقع گردیده است (بند ۵ و ۴ خطمشیهای اساسی بخش آموزش عالی برنامه دوم توسعه و سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی)؛ اما ارزیابی عملکرد خصوصی سازی در کشور حاکی از این است که

1 - Yıldırım

2 - Geiger

3 - Altbach

۴ - بر طبق تبصره ۴۸ قانون برنامه اول توسعه مصوب ۱۳۶۸، «دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی می توانند در طول اجرای برنامه دوره های شبانه و دوره های خاص، تاسیس و هزینه های سرانه شبانه را با تایید وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد از داوطلبان به تحصیل وصول و وجوه حاصله را به خزانه داری کل واریز و

روندهای مورد انتظار محقق نشده و موفقیت مورد انتظار در زمینه ی خصوصی سازی حاصل نشده است.

پژوهش های متعددی از جمله رحیمی (۱۳۹۲) جمشیدی و آراسته (۱۳۹۱)، ربیعی و نظریان (۱۳۹۱)، مهرپرور (۱۳۸۲) بر وجود چالش های عمده ای در این بخش نظیر عدم مشارکت دادن آموزش عالی خصوصی در برنامه ریزی های کلان آموزش عالی، عدم انسجام و هماهنگی در بخش های مختلف دولت و وزارت علوم در فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی، تاکید کرده اند. با وجود این که دانشگاه های خصوصی در معنای کامل آن با تاسی به قوانین بازار و بنگاه داری، مشتری محوری را -که در این اکوسیستم می توان آن را به رضایت دانشجو تعبیر کرد- در زمره ی اصول مهم تعالی و نیز به عنوان یکی از شاخص های کلیدی عملکرد خود محسوب می کنند؛ سعادت مند (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان میزان رضایت دانشجویان در موسسات آموزش عالی خصوصی گزارش کرد که دانشجویان این موسسات از مدیریت آموزش رضایت نسبی دارند و از کیفیت آموزش در این مؤسسات رضایت ندارند.

روش ها و مدل های مختلفی بر اساس سهم دولت و بخش خصوصی در تأمین منابع مالی مدیریت و مالکیت آموزش عالی اجرا می شود. همچنین، نیازهای مختلف موجود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به این معناست که انگیزه های خصوصی سازی با هم فرق دارند و شکل خصوصی سازی پذیرفته شده نیز خاص هر کشور و شرایط اقتصادی و جمعیتی آنجا است (کلایو و هنری، ۲۰۰۲) و حضور بخش خصوصی در کشورهای مختلف بسته به نوع رژیم سیاسی، ماهیت چالش های پیش رو، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور همواره با موانعی رو به رو بوده است (جعفری، ۱۳۸۹)

معادل آن را از محل ردیفی که به همین منظور در بودجه سالیانه منظور می گردد، دریافت و صرف هزینه های مربوط دانشگاه کنند.»

همین اختیار در تبصره ۸۷ قانون برنامه دوم مصوب سال ۱۳۷۳ و ماده ۱۵۲ قانون برنامه سوم مصوب سال ۱۳۷۹ نیز دوباره تکرار شد و در بند «ب» ماده ۵۰ قانون برنامه چهارم مصوب سال ۱۳۸۳ نیز گسترش یافت

1 - Clive

2- Henry

خصوصی سازی فرآیندی است که تحقق آن مستلزم عینیت یافتن عملی پیش نیازهای محیطی ضروری و مرتبط است، علاوه بر آن دارای مراحل و گام های متعدد هدفمند است و جریانی داینامیک و پویاست که درون خود ساختارهای متشکل و نظام دار دارد و اهداف متعالی مشخصی را دنبال می کند و موفقیت آن مستلزم طراحی عوامل و شرایط و پیش نیازها، درون دادها و برون دادها و فرآیندهای درونی است. هم چنین دانشگاه ها به دلیل تاثیری که در طول و عرض فرآیندهای اجتماعی می گذارند، آسیب های موجود را به جامعه بیرونی انتقال می دهند. لذا اگر دانشگاه به مکان تصفیه ی آسیب ها بدل شود، این انتقال موجب کاهش تدریجی آسیب در جامعه نیز می شود و اگر دانشگاه به مکان تشدید آسیب ها تبدیل شود، این انتقال موجب افزایش آسیب در جامعه خواهد شد (ظریفیان، ۱۳۸۶) لذا تشخیص آسیب ها اهمیت ویژه ای دارد و به عنوان عامل مهم در توسعه و بهسازی سازمانی برای اقدام درست، مناسب و کمک به حذف نقاط کور مدیریتی در نظر گرفته می شود. (مانزینی، ۱۳۸۵)؛ در همین راستا این سوال مطرح می شود که خصوصی سازی آموزش عالی در جهت رسالت های دانشگاه از جمله آموزش، پژوهش، خدمات، انتقال دانش، توسعه مهارت ها و توانمندی ها، بالندگی اشخاص، افزایش شناخت ها، و پاسخ به نیازهای جامعه (یمنی، ۱۳۹۱) حرکت کرده است؟ یا با وجود سیطره موج بازارگرایی در آموزش عالی ایران از کارکردهای اصلی خود منحرف و دچار کژکارکردی شده است؟ یافتن پاسخی برای این مسئله نیازمند بررسی وضعیت موجود خصوصی سازی آموزش عالی است و بنابراین آسیب شناسی آن، بر هر اقدامی در جهت ایجاد تحول در آن اولویت و برتری دارد.

در این پژوهش سعی شد الگوی مناسب و چند بعدی در آسیب شناسی اختیار شود که متوجه ابعاد مختلف ساختار، کارکرد و محیط یا زمینه خصوصی سازی آموزش عالی باشد و آسیب شناسی را از تا حد امکان از سوگیری و انحراف به دور نگه دارد. لذا سوال اصلی این پژوهش این است که آسیب های خصوصی سازی آموزش عالی در ایران کدامند.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم خصوصی سازی در آموزش عالی: خصوصی سازی اصطلاحی فراگیر و متنوع است که به واگذاری کنترل عملیاتی موسسات در مالکیت دولت به بخش خصوصی منجر می شود و همراه مالکیت، قدرت نیز به مردم (در مقابل واژه دولت) و بخش خصوصی، منتقل می گردد،

که به معنای سپردن کار مردم به مردم است. منظور از قدرت، امکانات و فرصت های تصمیم گیری، سیاست گذاری و برنامه ریزی در اموری است که به بخش خصوصی واگذار شده است. لذا بسیاری از صاحب نظران معتقدند که اگر خصوصی سازی صرفا به انتقال مالکیت محدود گردد و فضا برای آزادی عمل بخش خصوصی فراهم نشود، امر خصوصی سازی به هدف های مورد انتظار و به نتایج موثر دست نخواهد یافت (کاشف بهرامی، ۱۳۸۷).

از دیدگاه داکتر مال ۱ (۲۰۰۶)، در نگاه نخست، موسسات خصوصی، نهادهایی هستند که مالکیت خصوصی یا موسس خصوصی دارند. هرچند در بازار آموزش عالی، این تعریف برای توصیف موسسات آموزش عالی خصوصی کفایت نمی کند، زیرا تعریف های قانونی مربوط به مالکیت، عملکرد و سازمان واقعی موسسات را تعریف نمی کند. هنگامی که درباره ی عملکرد بحث می شود، بر اساس مطالعات متعدد انجام شده، نمونه هایی ارائه می شود که موسسات خصوصی را همچون موسسات دولتی معرفی می کنند که فقط در مالکیت یا اعتبارات متفاوت اند.

منظور از خصوصی سازی، ضرورت کسب درآمد توسط موسسات و نظام ها در ازای بخشی از فعالیت هایشان است که می تواند شامل شهریه و دیگر هزینه های دریافتی از دانشجویان باشد. آلتباخ و همکاران (۲۰۰۹) بین آموزش عالی خصوصی و خصوصی سازی آموزش عالی تفاوت قائل شده اند. به طوری که در آموزش عالی خصوصی، موسسات خصوصی می توانند با موجودی و سرمایه شخصی و تا حدودی با کمک سپرده های عمومی فعالیت کنند؛ این موسسات ممکن است انتفاعی یا غیرانتفاعی باشند و مالک سرمایه گذارانی داشته باشند؛ اما خصوصی سازی آموزش عالی می تواند به معنی کسب درآمد از محل خدمات مشاوره ای، دادن مجوز، فروش انواع مختلف مالکیت، همکاری های درآمدزای دانشگاه ها و صنعت، اجاره دادن اموال و مستغلات دانشگاه و منابع درآمدی بسیار دیگر باشد. از طرف دیگر کوئیک (۲۰۰۳) خصوصی سازی در آموزش عالی را فرآیند یا گرایشی می داند که در آن دانشگاه ها اعم از دولتی و خصوصی منش ها و هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را پیش می گیرند و دال بر سوگیری نسبت به دانشجوی به عنوان مشتری، توجه به اعتبار موسسات رقیب و وضعیت بازار کار و افزایش درآمد خالص و بازاریابی فعال است. و لوی و زامتا (۲۰۱۱) خصوصی سازی

در آموزش عالی را به دو دسته کلی تقسیم می کنند که شامل: (۱) خصوصی سازی در درون بخش دولتی و (۲) رشد بخش خصوصی است، که اسلانچوا دارست (۲۰۱۰) تقریباً همین دسته بندی را به این صورت بیان می کند: (۱) خصوصی سازی درونی که به بروز خصوصی سازی در آموزش عالی دولتی اشاره می کند، و (۲) خصوصی سازی بیرونی که در واقع ظهور موسسات آموزش عالی خصوصی را بیان می کند. که این مقاله هر دو مفهوم را مدنظر دارد.

خصوصی سازی اصول بازار را در سازماندهی و مدیریت فعالیت های موسسات آموزش عالی به کار می گیرد. معیارهای خصوصی سازی برای آگاه سازی موسسات از هزینه ها و مدیریت کارآمد خود استفاده می شود. موسسات به جای وابسته بودن به اعتبارات دولتی به دنبال منابع جایگزین دیگر برای تامین اعتبار هستند. مالکیت و مدیریت موسسات حتی زمانی که معیارهای خصوصی سازی معرفی می شوند، ممکن است در اختیار مقامات دولتی باقی بماند. الگوهای خصوصی سازی در کشورهای مختلف متفاوت است. این ممکن است به معنای متکی بودن به اعتبارات دولتی محدود و اعتبارات غیردولتی قابل توجه در بعضی کشورها و یا حمایت مالی قابل توجه دولت و اعتبارات غیردولتی محدود در دیگر کشورها باشد (وارقسه، ۱، ۲۰۰۴). شهریه دانشجویی و فروش کالاها و خدمات فکری می تواند به عنوان جایگزینی برای اعتبارات دولتی یا حداقل برای افزایش های بعدی در سطح اعتبارات دولتی باشد. هم چنین ترکیبی از اعتبارات دولتی و خصوصی، نسبت به هر کدام از اعتبارات به صورت مستقل، می تواند بسیج گسترده ای از منابع اجتماعی را فراهم کند؛ ایجاد رقابت و در نتیجه تلاش هایی که برای کارآمد کردن، تعالی و تناسب بخشیدن به آموزش عالی انجام می شود از فواید مسلم خصوصی سازی است. (اردشیری، ۱۳۸۶)

خصوصی سازی آموزش، علاوه بر کاهش فشار بر بودجه دولت و کارایی بیشتر در استفاده از منابع مالی و امکانات، موجب افزایش کیفیت آموزش خواهد شد. لکن نیازهای مختلف موجود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به این معناست که انگیزه های مشارکت در خصوصی سازی آموزش با هم تفاوت دارند و شکل خصوصی سازی پذیرفته شده، متناسب با شرایط اقتصادی و جمعیت هر کشور، خاص همان کشور است (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۴)

خصوصی سازی آموزش عالی در ایران: افزایش سریع جمعیت در دهه ۶۰ و بهم خوردن تعادل در ساختار که با پایان جنگ ایران و عراق و تبعات اقتصادی آن بر بازار کار همزمان شده بود، در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ انبوهی از جمعیت جوان در صحنه حضور یافته و لازم بود برای آنان کار و مخصوصاً ظرفیت های مناسب دانشگاهی تدارک شود. به همین منظور دانشگاه آزاد اسلامی به سرعت رشد پیدا کرده واحدهای متعددی در شهرهای مختلف ایران تأسیس نمود. تکثیر و گسترش دانشگاه آزاد اسلامی به دلیل جمعیت جوان کشور، تعطیلی دانشگاه ها و انباشت تقاضاهای اجتماعی و محدودیت های موجود در پذیرش سراسری دولتی به قدری سریع بود که از همان آغاز علاوه بر تهران، در شهرستان های متعدد واحد دانشگاهی دایر کرد (فراستخواه، ۱۳۸۸). مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، غیرانتفاعی نیز از سال ۱۳۶۷ به بعد تأسیس شد. اولین مؤسسات غیردولتی، غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۷ با عنوان دانشگاه مفید در قم و سپس در سال ۱۳۷۰ با عناوین موسسه غیرانتفاعی علوم و فنون مازندران در شهر بابل و موسسه غیرانتفاعی، غیردولتی خیام در شهر مشهد تأسیس و شروع به کار کردند. علاوه بر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی، دانشگاههای دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه جامع علمی-کاربردی، دانشگاه پیام نور، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، مراکز تربیت معلم وابسته به وزارت آموزش و پرورش، مؤسسات آموزش عالی وابسته به سایر وزارتخانهها مانند وزارت خانه ها نیز به تدریج ایجاد و به فعالیت پرداختند.

روند توسعه آموزش عالی در کشور بدون کارشناسی و آمایش سرزمینی و بیشتر به صورت عکس العملی انجام شده است. جدول ۱ نشان می دهد که در پایان برنامه پنجم توسعه کشور (سال ۱۳۹۴) پوشش تحصیلی به ۵۰/۶ درصد رسیده است در حالی که میزان جهانی این رقم ۳۰/۵ درصد است. از طرفی نرخ رشد جمعیت دانشجویی کشور به طور غیر قابل تصویری طی سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ افزایش ۲.۵ برابری نشان می دهد.

جدول ۱. پوشش تحصیلی در سال های چهارم و پنجم توسعه

رشد متوسط در برنامه چهارم	برنامه پنجم					رشد متوسط در برنامه چهارم	برنامه چهارم	نسبت دانشجوی به جمعیت ۱۸ تا ۲۴ سال
۷.۴	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۲.۴	۱۳۸۹	۱۳۸۴
	۵۰.۶	۴۸.۳	۳۴.۶	۳۹.۵	۳۸		۳۴.۲	۱۹.۱

در طی این سال ها توسعه آموزش عالی خصوصی در ایران فراتر از نرم های جهانی بوده است و از طرفی آموزش عالی دولتی نیز با وابستگی بسیار بالا به اعتبارات عمومی نقش کمی در استقلال مالی و اثرگذاری بر جامعه با ارائه انواع خدمات دارد. (ستوده، ۱۳۹۵). مهم ترین عوامل تاثیرگذار در توسعه کمی خصوصی سازی آموزش عالی را می توان تقاضاهای فزاینده برای آموزش عالی، ناتوانی یا ضعف تمایل دولت در پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده برای آموزش عالی، تاکید بر رشد خصوصی سازی آموزش عالی در برنامه ها و سیاست گذاری های کلان توسعه کشور و کاهش تصدی گری دولت و لزوم رشد و توسعه آموزش عالی و اصلاحات ساختاری در این بخش دانست (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳) هم چنین مهم ترین عوامل و دلایل دانشجویان در انتخاب و تحصیل در دانشگاه های غیردولتی عبارتند از: عوامل و فشارهای اجتماعی، عدم دسترسی به دانشگاه های دولتی، نزدیکی به محل سکونت و والدین، عوامل و فشارهای اقتصادی، محیط و رشته ی دلخواه، و عوامل آموزشی بوده است (صالحی عمران و همکاران، ۱۳۸۹)

در این میان نتایج پژوهش قریشی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان "تحلیل محتوای مقالات حوزه ی حوزه ی خصوصی سازی آموزش عالی در مجلات علمی کشور" نشان داد که علی رغم گسترش بی رویه خصوصی سازی در آموزش عالی و اهمیت آن، سهم پژوهش در این حوزه بسیار کم است. از بین آثار مثبت خصوصی سازی به ترتیب مقوله های کسب درآمد توسط دانشگاه ها، تنوع بخشی به آموزش عالی، صرفه جویی در هزینه ها و کاهش فشار مالی دولت، رشد کمی آموزش عالی و همچنین جلوگیری از تمرکزگرایی و افزایش مشارکت مردم در امور مختلف، دارای بالاترین ضریب اهمیت و اولویت های اول تا سوم بوده است. از بین آثار منفی خصوصی سازی نیز به ترتیب مقوله های افزایش دانش آموختگان بیکار، کاهش کیفیت فرآیند آموزش، طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه، رشد کمی مراکز خصوصی آموزش عالی، مدرک گرایی و تقلب و فساد آموزشی به علاوه مشکلات ساختاری در راه اندازی دانشگاه های خصوصی دارای ضریب اهمیت بالا و اولویت اول تا سوم است. علی رغم پژوهش هایی که در خصوص رویکرد تجاری سازی و خصوصی سازی آموزش عالی در ایران انجام شده، باید گفت مطالعات انجام شده اغلب روی ضعف ها و قوت های کلی این رویکرد متمرکز

شده و از زوایای محدودی به مسئله پرداخته و از بررسی ضعف و قوت ابعاد مسئله از جمله عوامل ساختاری، کارکردی و محیطی و ارائه راهکار جهت اصلاح آن غفلت شده است؛ یا بیشتر به رویکرد خصوصی سازی آموزش عالی در جهت موافقت یا مخالفت با آن و علل و عوامل گرایش به خصوصی سازی پرداخته اند. لذا با توجه به روند پرشتاب خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، و نتیجه بخش نبودن آن ها (قریشی، ۱۳۹۶؛ ستوده، ۱۳۹۵؛ و آراسته، ۱۳۹۳) علی رغم پتانسیل های بخش خصوصی در زمینه آموزش، انجام آسیب شناسی به منظور شناسایی عوامل آسیب رسان این حوزه ضروری به نظر می رسد. با توجه به موضوع مورد بررسی، و لزوم استفاده از مدلی چند بعدی، از میان انواع مختلف مدل های آسیب شناسی، در این پژوهش از مدل سه شاخکی استفاده شد.

مدل سه شاخگی دارای سه بعد ساختاری، کارکردی (زمینه ای) و محیطی (رفتاری) است. عوامل ساختاری: دربرگیرنده تمام عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان است که با نظم، قاعده و ترتیب خاص و به هم پیوسته، چارچوب، قالب، پوسته و بدنه ی فیزیکی و مادی سازمان را می سازد. عوامل زمینه ای: شرایط و عوامل محیطی برون سازمانی هستند که محیط سازمان را احاطه می کنند، با سازمان تأثیر متقابل دارند و خارج از کنترل سازمان هستند. عوامل رفتاری: شامل عوامل و روابط انسانی در سازمان است که هنجارهای رفتاری، ارتباط غیررسمی و الگوهای ویژه به هم پیوسته و محتوای اصلی سازمان را تشکیل می دهند. (میرزایی اهرنجانی و سرلک، ۱۳۸۴). رابطه ی میان این سه شاخه یک رابطه ی تنگاتنگ ناگسستگی است که در عمل از هم جدایی ناپذیرند و تمایز و تشخیص این سه جنبه صرفاً نظری و به منظور تجزیه و تحلیل و شناخت مفاهیم پدیده هاست (میرزایی، ۱۳۸۱)

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و حاصل آن در گروه پژوهش کاربردی قرار می گیرد. هم چنین از نظر مسئله مورد بررسی، از راهبرد کیفی پژوهش استفاده شده است، لذا از منظر روش در نوع پژوهش های کیفی قرار می گیرد. جامعه ی پژوهش، خبرگان حوزه آموزش عالی و سیاستگذاران توسعه آموزش عالی و موسسین و مدیران مراکز آموزش عالی خصوصی است. منظور از خبرگان، اساتید و اعضای هیئت علمی با سابقه حوزه آموزش عالی و نیز متخصصان پژوهشگرانی است که علاوه بر دانش نظری این حوزه در سمت های مدیریتی آموزش عالی

دارای سوابق و تجربیات مدیریتی بوده و در سطوح عالی با مسائل آموزش عالی در حوزه مسئله اصلی این پژوهش آشنا بوده اند. از میان جامعه موردنظر با 11 نفر علاقه مند به موضوع و دارای معیارهای ذکر شده و با استفاده از مصاحبه به عمل آمد. با توجه به این که اعتبار نتایج در این نوع پژوهش ها تا اندازه زیادی به توانمندی، دانش و تجارب مصاحبه شوندگان بستگی دارد، تلاش شد تا بهترین افراد از این نظر که علاوه بر دانش حوزه آموزش عالی، خود درگیر و دست اندرکار فرایند خصوصی سازی آموزش عالی بوده اند انتخاب شوند. هم چنین مصاحبه ها تا دست یافتن به اشباع نظری ادامه یافت.

نخست با استفاده از مطالعات اکتشافی اولیه شامل مطالعه اسنادی و مصاحبه مقدماتی با خبرگان، تعدادی از نمونه ها شناسایی شدند و سپس دیگر اعضای نمونه با استفاده از روش گلوله برفی (زنجیره ای) انتخاب شدند. از مصاحبه نیمه ساختاریافته جهت گیردآوری داده ها استفاده شد. جهت انجام مصاحبه، ابتدا به صورت تلفنی، از طرق ایمیل یا حضوری هماهنگی مربوط به زمان و مکان مصاحبه با مصاحبه شوندگان به عمل آمد و سپس به منظور آمادگی مصاحبه شوندگان سؤالات مصاحبه برای نمونه منتخب ارسال شد. مصاحبه ها با ذکر رعایت امانت داری و موافقت افراد ضبط شد. کوتاه ترین مصاحبه ۱۷ دقیقه و بلندترین مصاحبه 80 دقیقه به طول انجامید. مصاحبه ها به طور کامل پیاده سازی و داده ها براساس سؤالات پژوهش و با استفاده از روش مقوله بندی آزاد تجزیه و تحلیل شدند. در همین راستا ابتدا خرده مقوله ها استخراج شده و سپس به منظور دست یابی به مقوله های اصلی مقوله بندی جدیدی انجام شد. هم چنین از مدل سه شاخکی به عنوان ساختاری ساختاری برای نظم دهی به نتایج استفاده شد.

ردیف	سمت	تاریخ مصاحبه	مدرک دانشگاهی
۱	هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی	استادیار	دکترای اقتصاد آموزش عالی
۲	هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی	دانشیار	دکتر اقتصاد آموزش عالی
۳	هیات علمی موسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی	دانشیار	دکتری برنامه ریزی سیستم ها و علوم اقتصادی
۴	معاون دفتر آموزش عالی غیردولتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری		دکتر مدیریت آموزشی
۵	رئیس شورای مرکزی اتحادیه دانشگاه ها و موسسات آموزش	استاد	فوق دکترای بیماری های برونچ

ردیف	سمت	تاریخ مصاحبه	مدرک دانشگاهی
	عالی غیردولتی غیرانتفاعی کشور		
۶	رئیس موسسه آموزش عالی آزاد علوم و فنون		دکترای MBA
۷	هیات علمی دانشگاه آزاد واحد کرج		دکتری برنامه ریزی درسی
۸	رئیس دانشگاه آزاد واحد زاهدان	استادیار	دکترای علوم سیاسی
۹	هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی	عضو هیات علمی	دکترای اقتصاد آموزش عالی
۱۰	رئیس موسسه آموزش عالی آزاد اندیشه معین	عضو هیات علمی	فوق دکترای علوم اقتصادی
۱۱	هیات علمی دانشگاه غیرانتفاعی مفید قم	استادیار	دکترای حقوق عمومی

یافته ها

براساس نتایج حاصل از پژوهش ۸ مقوله (آسیب ها) و ۳۸ خرده مقوله (ریز آسیب ها) شناسایی شدند که تحت سه محور اصلی آسیب های ساختاری، آسیب های کارکردی و آسیب های محیطی ساماندهی شدند.

الف. آسیب های ساختاری

۲۰ خرده مقوله مربوط به آسیب های ساختاری تحت سه مقوله ی اصلی قانونی، سیاستگذاری، و مدیریتی و سازمانی شناسایی و کدگذاری شدند.

جدول ۲: مولفه های ساختاری آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
قانونی	وجود قوانین یکسان برای آموزش عالی دولتی و خصوصی
	عدم اجرای قوانین به طور یکسان بین مراکز آموزش عالی خصوصی
	تعیین تکلیف و تعریف مناسب بخش خصوصی در آموزش عالی به طور قانونی
	بی توجهی به زمینه و شرایط مراکز آموزش عالی خصوصی در تدوین قانون ها و دستورالعمل ها
	نقص مقررات در مورد مالکیت و سرمایه گذاری در آموزش عالی خصوصی
	نقص مقررات در مورد انحلال و واگذاری مؤسسات آموزش عالی خصوصی
	شدیدا بوروکراتیک بودن روند تاسیس مراکز آموزش عالی خصوصی برای افراد فاقد نفوذ و شدیداً رابطه محور بودن همین روند برای افراد دارای نفوذ سیاسی
سیاستگذاری	عدم تعیین تکلیف و نقش و سهم و انتظارات از آموزش عالی خصوصی

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
	توسعه رشته های ارزان قیمت به منظور سودآوری بیشتر
	عدم توجه به آمایش سرزمینی و نیازهای بازار کار
	عدم اقتدار یا تمایل دولت برای اصلاح وضعیت مراکز آموزش عالی خصوصی
	عدم حمایت اقتصادی و مالی و اجتماعی دولت از مراکز آموزش عالی خصوصی (معافیت های مالیاتی و گمرکی و شهرداری، اعطای وام های کم بهره)
	حساس نبودن به تغییرات فناوری و بی توجهی به نیازهای ملی و منطقه ای
	ضعف ارتباطی میان مراکز آموزش عالی خصوصی و نهادهای حمایتی
	از مسیر خارج شدن موسسات آموزش عالی خصوصی از رسالت اصلی خودشان
	تصدی گری و دخالت گری دولت به جای اعطای اختیار و نظارت گری
	تمرکزگرایی و ممانعت از شکل گیری فضای رقابتی
	فقدان چشم انداز و اهداف و ماموریت های واقعی در مراکز آموزش عالی خصوصی
مدیریت و سازمانی	فقدان استقلال دانشگاهی و انعطاف در تصمیم گیری و انتخاب ها
	تجاری شدن و توجه به سودآوری به جای کیفیت

آسیب های قانونی

مصاحبه شوندگان ضعف های قانونی خصوصی سازی را به عنوان یکی از آسیب های اساسی مطرح کردند. مصاحبه شونده C در این رابطه بیان می دارد چگونه ممکن است که مقررات برای یک دانشگاه خصوصی که هیچ بودجه ای نمی گیرد و تمام هزینه هارو از درآمد خودش می پردازد یا دانشگاه دولتی با بودجه دولتی یکی باشد، قانون باید مناسب شرایط زمینه ای خودش باشد. مصاحبه شونده H درباره ی تاسیس و انحلال دانشگاه های خصوصی می گوید «تاسیس برای افراد دارای رابطه بسیار راحت است، چه بسا کسانی که اولین دانشگاه های غیردولتی را تاسیس کردند از همین افراد وزارتخانه بودند که رانت اطلاعاتی و رابطه داشتند.. هر کس که در درون وزارت بوده اطلاع از آیین نامه ها داشته اولین نفر در صف ایستاده و مجوز گرفته. کسانی که در وزارت علوم بودندو رابطه داشتند. در واقع این ها بر اساس کارآمدی متقاضیان نبوده و با رابطه صورت گرفته و از مزایا و منافع استفاده کرده. و چون شروعهش این طور بوده این رابطه اثر خودش رو در ادامه در فرآیند کار هم نشون میده. و برای کسی که قدرت و نفوذ و رابطه نداشته باشه بسیار بروکراتیک و سخت است.. همین روال در هنگام انحلال هم رخ می دهد. در رابطه با مشکلات مربوط به مالکیت مصاحبه شونده B ابراز می کند وقتی کسی می خواهد دانشگاه خصوصی تاسیس کند.. از زمین و کارمند و کارگر آورده ی خودش است، اما هنگام انحلال آن

دارایی‌ها مالکیت فردی ندارد و به نام دولت است، خوب در چنین شرایطی کسی انگیزه‌ی تاسیس ندارد و این شرایط ناعادلانه و ضربه‌زننده خواهد بود. هم چنین مواردی چون عدم اجرای قوانین به طور یکسان بین مراکز آموزش عالی خصوصی، تعیین تکلیف و تعریف مناسب بخش خصوصی در آموزش عالی به طور قانونی، بی‌توجهی به زمینه و شرایط مراکز آموزش عالی خصوصی در تدوین قانون‌ها و دستورالعمل‌ها، را از جمله ریزآسیب‌های این حوزه برشمرده شده است. در راستای این نتایج، در این زمینه لیاال ۱ و سل ۲ (۲۰۰۶) هم معتقدند که باید برای آموزش عالی خصوصی مدل‌هایی بر پایه اهداف صریح و روشن و ساختارهای انگیزشی مناسب که به ازای میزان پیشرفت و موفقیت پاداش داده می‌شود طراحی شود. به جای این که به تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات منسوخ پرداخته شود. قانونگذاری همه‌جانبه بدون وجود خلاها و جاهت قانونی حضور و فعالیت آموزش عالی خصوصی، اولین و مهم‌ترین گام در جهت حرکت دادن این بخش از آموزش عالی در جهت اهداف و کارکرد در نظر گرفته شده است. مشکلات در این حوزه باعث شده که در بسیاری از کشورها کالج‌های بخش خصوصی یا غیرقانونی برای انجام دادن وظایف قانونی تشکیل می‌شوند یا قانونی برای انجام دادن کارهای غیرقانونی.

آسیب‌های سیاستگذاری

در داخل نظام آموزشی، یک شبکه گسترده و تودرتو از نهادها قراردارند که یک تصمیم‌گیری در مورد هر جز این شبکه می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در کل نظام بر جای بگذارد، فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی نیز از این امر مستثنی نبوده و متاثر از سیاست‌های اتخاذ شده است.

نتایج پژوهش حاضر گویای آن است که آسیب‌های حوزه سیاستگذاری از جمله دیگر آسیب‌های مربوط به خصوصی‌سازی آموزش عالی به شمار می‌آید. مصاحبه‌شوندگان مواردی چون عدم تعیین تکلیف و نقش و سهم و انتظارات از آموزش عالی خصوصی، توسعه رشته‌های ارزان قیمت، عدم توجه به آمایش سرزمینی و نیازهای بازار کار، عدم اقتدار یا تمایل دولت برای

1- Lyall

2- Sell

اصلاح وضعیت مراکز آموزش عالی خصوصی، عدم حمایت اقتصادی و مالی و اجتماعی دولت از مراکز آموزش عالی خصوصی (معافیت های مالیاتی و گمرکی و شهرداری، اعطای وام های کم بهره)، حساس نبودن به تغییرات فناوری و بی توجهی به نیاز های ملی و منطقه ای، ضعف ارتباطی میان مراکز آموزش عالی خصوصی و نهادهای حمایتی، از مسیر خارج شدن موسسات آموزش عالی خصوصی از رسالت اصلی خودشان را شواهدی بر این آسیب سیاستگذاری در این حوزه ذکر کرده اند.

مصاحبه شونده A درباره عدم سیاستگذاری های حمایتگرانه ابراز می دارد اگر دانشگاهی می خواهد پیشرفت کند دولت باید شرایط رو فراهم کند. اگر فرض بگیریم بخش دولتی و غیردولتی دارند با هم رقابت می کنند دولت باید شرایط رقابت برابر رو ایجاد کند و آن ها رو پشتیبانی کنه و حمایت کنه که بتوانند در رقابتی که دارند باعث انتفاع اجتماعی بشوند.. دانشگاه غیردولتی را باید در بدو تاسیس حمایت کرد تا بتواند ساز و کارهای کیفیت را مستقر کند. هم چنین مصاحبه شونده G چنین شرح می دهد بر اساس برنامه های فرادست (چشم انداز) و فرودست (قانون برنامه چهارم و پنجم و..) دولت مکلف به کوچک کردن خود و واگذاری کارهای خود به بخش خصوصی بوده است. اما عملا این سیاستگذاری ها بدون توجه و نیازسنجی بازار کار آینده انجام می شود، بدون توجه به نیاز های اقلیمی و منطقه ای، صرفا برای افزایش دسترسی که نمی شود برای جایی که ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد دانشگاه زد، باید تقاضای اقتصادی رو هم در نظر داشت نه فقط تقاضای اجتماعی هنگامی که موقعیت فعلی با بروز یک مشکل و مسئله حاد دستخوش آشفتگی و دگرگونی شود، نیاز به سیاست های جدید برای ایجاد انعطاف لازم و سازگار شدن با شرایط است. تغییر سیاست در واکنش نسبت به یک مسئله یا مجموعه ای از مشکلات انجام می شود و باید با ارزیابی و شناخت بخش آموزش و زمینه های فعالیت آن شروع شود. آسیب های موجود در این بخش از خصوصی سازی آموزش عالی تایید می کند که تصمیم های سیاستی در این حوزه باید بررسی و اصلاح شده یا سیاست های جایگزین تعیین شود.

آسیب های مدیریتی و سازمانی

آسیب های مدیریتی و سازمانی از جمله آسیب هایی بود که مصاحبه شوندگان به آن اشاره کرده اند. در این زمینه مصاحبه شوندگان مواردی چون تصدی گری و دخالت گری دولت به جای اعطای اختیار و نظارت گری، تمرکزگرایی و ممانعت از شکل گیری فضای رقابتی، فقدان چشم انداز و اهداف و ماموریت های واقعی در مراکز آموزش عالی خصوصی، فقدان استقلال دانشگاهی و انعطاف در تصمیم گیری و انتخاب ها، تجاری شدن و توجه به سودآوری به جای کیفیت را متذکر شده اند.

مصاحبه شونده D بیان می کند در ایران به دلیل سابقه فرهنگی همه از دولت انتظار دارند همه چیز را، چه در زمینه آموزش چه بهداشت چه اقتصاد چه فرهنگ.. و به همین خاطر این تفکر که هر چیزی که دولتی است سر و سامان بیشتری دارد غالب است و اعتماد خاصی به دانشگاه های دولتی و... وجود دارد و از آن طرف هم دولت خود را به دخالت و تصدی گری در همه امور محق می داند، این است که از چابکی موسسات خصوصی که نقطه قوت آن ها باید باشد دیگر خبری نیست.. هم چنین مصاحبه شونده B اعلام می کند برای این که رقابت کنه باید از دانش جدید برای تولید ماشین جدید استفاده کنه و اون وقت نمی توانی یک فرد دولتی را رییس یگذاری چون باید کسی باشد که بتواند از دانش و دانشمند استفاده کند و رقابت کند با شرکت خارجی. انتصاب های دولتی به رقابتی بودن سیستم ضربه می زند.

در این زمینه فراستخواه (۱۳۸۹) معتقد است استقلال دانشگاهی و مدیریت خودگردان دانشگاه ها توسط خود دانشگاهیان تعریف می شود، به این صورت که دانشگاهیان خود نظام دانشگاهی را کنترل می کنند و تصمیمات مربوط به آن را در درون دانشگاه می گیرند و این در صورتی شکل می گیرد که دانشگاه بتواند از قید و بند دولتی رها باشد، بتواند امور داخلی خود را آزادانه اداره کند، هیات علمی موردنیاز را با توجه به نیاز داخلی اش استخدام کند و شرایط آموزشی و پژوهشی خود را تعیین نماید. اشنايدر (۱۹۶۰) به نقل از مهرعلیزاده (۱۳۷۳) اعلام کرده بود که عدالت حکم می کند که برای تحقق کیفیت آموزشی و موفقیت بیشتر، تصمیم گیری درباره ی مراکز آموزشی بیشتر در سطح مردمی (اکثریت) و نه دولت (اقلیت) صورت گیرد.

ب) آسیب های کارکردی

جدول ۲: مولفه های کارکردی آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی

مقوله های فرعی	مولفه های اصلی
عدم رعایت استانداردهای آموزشی	آموزش
کیفیت پایین دانشجویان ورودی	
تقاضا محور نبودن رشته ها	
عدم آزادی عمل و وجود مشکلات عدیده در تاسیس راه اندازی رشته های جدید	
عدم برخورداری از هیات علمی و اساتید با کیفیت بالا	
فقدان استقلال آکادمیک و الزام کامل به تبعیت از دستورالعمل ها در جذب دانشجو و هیات علمی	
عدم استفاده از شیوه های نوین و تکنولوژی آموزشی	
عدم ارتباط صنعت و دانشگاه جهت جذب پروژه ها و طرح های پژوهشی	پژوهش و اشتغال
فقدان ارتباطات موثر با نهاد ها و سازمان ها برای جذب و اشتغال فارغ التحصیلان	
فقدان ارتباطات کارآمد جهت جذب و تربیت دانشجوی مورد نیاز ارگان ها و نهادها	

آسیب های آموزش

عدم رعایت استانداردهای آموزشی، کیفیت پایین دانشجویان ورودی، تقاضا محور نبودن رشته ها، عدم آزادی عمل و وجود مشکلات عدیده در تاسیس راه اندازی رشته های جدید، عدم برخورداری از هیات علمی و اساتید با کیفیت بالا، فقدان استقلال آکادمیک و الزام کامل به تبعیت از دستورالعمل ها در جذب دانشجو و هیات علمی، عدم استفاده از شیوه های نوین و تکنولوژی آموزشی از جمله دیگر آسیب هایی است که صاحب نظران در رابطه با خصوصی سازی آموزش عالی بر شمرده اند. موسسات خصوصی در ارائه آموزش بیشتر منافع فردی را در نظر دارند و کمتر منافع اجتماعی را مورد توجه قرار می دهند و به نیازهای بازار در کوتاه مدت پاسخ می دهند، در حالی که اصلاح آموزش نیازمند برنامه ریزی بلند مدت است نه تغییر سریع یک کالا برای پاسخگویی به نیازهای متغیر و مطابق روز

آسیب های پژوهش و اشتغال

در این رابطه مصاحبه کنندشوندگان به عدم ارتباط صنعت و دانشگاه جهت جذب پروژه ها و طرح های پژوهشی، فقدان ارتباطات موثر با نهاد ها و سازمان ها برای جذب و اشتغال فارغ التحصیلان، فقدان ارتباطات کارآمد جهت جذب و تربیت دانشجوی مورد نیاز ارگان ها و نهادها اشاره کرده اند.

در مزایای آموزش عالی خصوصی ذکر شده موسسات خصوصی نه تنها نیروی انسانی برای بخش خصوصی تربیت می کنند، بلکه نیازهای بخش دولتی را نیز برآورده می کنند، هم چنین باعث کاهش اعزام دانشجوی به دانشگاه های خارجی می شوند که خصوصی سازی آموزش عالی ایران در این حوزه دچار آسیب است. لیال و سل (۲۰۰۶) نیز اشاره کرده اند که قراردادهای پژوهشی با تنوع بخشی به منابع درآمدی دانشگاه ها را کمتر در معرض آسیب پذیری ناشی از نوسانات بودجه یا ایدئولوژی های سیاسی قرار می دهد.

ج) آسیب های محیطی

جدول ۳: مولفه های محیطی آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی

مؤلفه های اصلی	مؤلفه های فرعی
سیاسی	نفوذ قدرت جناح های سیاسی جهت تاسیس مراکز آموزش عالی خصوصی بدون توجه به آمایش سرزمین
فرهنگی اجتماعی	وجود دیدگاه های متفاوت درباره ی عدالت آموزشی
	انتظار غالب مردم از دولت برای فراهم کردن آموزش عالی
	عدم اعتماد به سرمایه گذاری در آموزش عالی خصوصی
	عدم تناسب هنجارها و ارزش های موسسات آموزش عالی خصوصی با جامعه
اقتصادی	تضعیف شان و اعتبار مدارک تحصیلی و فزیلت علم
	نوسانات اقتصادی و نبود ثبات و امنیت اقتصادی جهت فعالیت مراکز آموزش عالی خصوصی
	عدم وجود گرایش به حمایت از بخش خصوصی توسط عامه مردم (وقف، کمک های بلاعوض.....)

آسیب های فرهنگی اجتماعی

در این رابطه مصاحبه شوندهگان بر این عقیده هستند که خصوصی سازی آموزش عالی ایران با آسیب های مانند وجود دیدگاه های متفاوت درباره ی عدالت آموزشی، انتظار غالب مردم از

دولت برای فراهم کردن آموزش عالی، عدم اعتماد به سرمایه گذاری در آموزش عالی خصوصی، عدم تناسب هنجارها و ارزش های موسسات آموزش عالی خصوصی با جامعه، تضعیف شان و اعتبار مدارک تحصیلی و فضیلت علم رو به روست.

مصاحبه شونده I ابراز می دارد تحصیل کرده ها و فرهیختگان ما عمدتاً نگاه جامعه گرا و سوسیالیست دارند تا اقتصاد بازار و اقتصاد آزاد. در صورتی که خود دولت به مشکل بزرگ است در این قضیه. و این نگاه سیطره داشته بر سیاستگذاری ها و پیشرفت و توسعه دانشگاه های خصوصی.. هم چنین مصاحبه شونده C معتقد است خیلی از اوقات دولت ها پشت سر افکار عمومی حرکت می کنند. چرا دانشگاهی در بالاترین سطح نزنیم که ارزش هم خارج نشود دانشجوی هم بعد تحصیل مهاجرت نکند برای اساتید هم اشتیاق بیشتر و درآمد بیشتر فراهم می کند..... رسانه ها میگویند دانشگاه پولی چیزی که عوام و غیر عوام رود قضاوت می کنند مشاهدات اطرافشون هست.. در صورتی که آمار و نمونه گیری و جامعه و ... چیز دیگری است

لیال و سل (۲۰۰۶) معتقد هستند دسترسی افراد متعلق به خانواده های با درآمد کم یا متوسط به دنبال شهریه ای شدن آموزش عالی کاهش می یابد و چنین جنبه ای از افزایش قشر بندی دانشجویان به نفع افراد با درآمد بالاتر، استلزامات دموکراسی را به چالش می کشد. و تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰) هم بر این نظر هستند که از جمله بحران های آموزش عالی خصوصی در ایران به علت وجود عقاید مذهبی، عدالت اجتماعی و در دسترس بودن آموزش و برابری آموزش و طبقاتی شدن آموزش عالی است.

آسیب های اقتصادی

نوسانات اقتصادی و نبود ثبات و امنیت اقتصادی جهت فعالیت مراکز آموزش عالی خصوصی، و عدم وجود گرایش به حمایت از بخش خصوصی توسط عامه مردم (وقف، کمک های بلاعوض.....) از جمله آسیب هایی بودند که مصاحبه شوندگان در زمینه آسیب های اقتصادی خصوصی سازی آموزش عالی برشمرده اند.

آسیب های سیاسی

آسیب های سیاسی از جمله دیگر آسیب های عمده مربوط به مولفه های محیطی آسیب رسان حوزه خصوصی سازی آموزش عالی شناسایی شد. در این رابطه مصاحبه شوندگان به نفوذ قدرت جناح های سیاسی جهت تاسیس مراکز آموزش عالی خصوصی بدون توجه به آمایش

سرزمین اشاره کرده اند. مصاحبه شونده‌گان بیان کردند که موارد زیادی اتفاق می افتد که جناح های سیاسی برای به دست آوردن حمایت و رای مردمی یا برای اثبات قدرت خود بر جناح های دیگر دست به تاسیس یا توسعه آموزش عالی خصوصی می زنند که به هیچ وجه با نیازهای منطقه ای منطبق نیست.

مصاحبه شونده H اظهار می کند کل به شهر ۷۰۰۰ نفر است و دانشگاه دارد. چرا؟ برای این که تمام مقامات محلی، استاندار فرماندار امام جمعه فشار آوردن رو وزارت علوم که شهر ما دانشگاه می خواهد. الان در هر کوی و برزن دانشگاهست. خیلی از دانشگاه ها حتی دولتی بر اساس فشارها سیاسی ایجاد شده است. نماینده ای برای این که دوباره رای بیارد تلاش می کند در منطقه خود مرکز آموزش عالی ایجاد کند. بعد مدتی که دانشجو وجود ندارد انحلالش به اعتبار نماینده ضربه می زنه و مشکلات امنیتی و سیاسی ایجاد می کند

به نظر سالتر و تیپر (۱۹۸۵) به نقل از مهرعلیزاده (۱۳۷۳) آموزش خصوصی به یک قدرت سیاسی تبدیل شده و به بازتولید ساختار طبقاتی کمک می کند. در بسیاری از کشورها، حمایت دولت از دانشگاه های خصوصی با توجه به عوامل عقیدتی و سیاسی است و انگیزه های نفع طلبانه و قدرت سیاسی روی رشد کالج های خصوصی تاثیر می گذارد.

بحث و نتیجه گیری و ارائه راهکار

علی رغم این که در پی سیاستگذاری توسعه آموزش عالی و ایجاد انواع دانشگاه ها، تنوع بخشی، پاسخگویی به نیاز متقاضیان آموزش عالی و رسالت و کارکردهای آموزش عالی جز مهم ترین اهداف بوده است، لیکن یافته های پژوهش اخیر حاکی از آن است که خصوصی سازی آموزش عالی از عهده انجام کارکردها برنیامده و دچار آسیب و کژکارکردی شده است. آسیب های شناسایی شده در این حوزه، نظام آموزش عالی را کشور را در مسیر نیل به اهداف راهبردی با چالش های اساسی مواجه می کند.

با وجود این که سیاست گذاری، قانون گذاری، و تعیین خط مشی ها به عنوان مقدمات رسمیت یافتن و تدوین و تکوین فرآیند ها به شمار می آیند خصوصی سازی آموزش عالی از آسیب های عمده ای در این زمینه رنج می برد. بی توجهی به زمینه و شرایط مراکز آموزش عالی خصوصی در تدوین قانون ها و دستورالعمل ها، عدم توجه به آمایش سرزمینی و نیازهای بازار کار، تصدی

گری و دخالت گری دولت به جای اعطای اختیار و نظارت گری، فقدان استقلال دانشگاهی و انعطاف در تصمیم گیری و انتخاب ها، آسیب های عمده ای است که در این بخش وجود دارد. هم چنین در شرایط جدید اقتصاد بازار آزاد، نتایج آموزشی و موفقیت کیفی دانشجویان به همان اندازه مهم است که دسترسی به آموزش عالی و برابری فرصت ها. کیفیت پایین آموزش به صورت بی سوادی در دانش آموختگان ظاهر می شود. مقصود از این مقصود از بی سوادی عدم کسب دانش کلاسیک نیست، زیرا بسیاری از همین دانش آموختگان زمانی که به خارج از کشور می روند، به خوبی قادر به رقابت با همگنان خود می باشند، اما بدون تردید تحصیلات دانشگاهی، کیفیت لازم برای راه اندازی کسب و کارهای جدید را ندارد و حتی دانشجویانی که خوب درس خوانده باشند، قابلیت لازم برای راه اندازی «یک کسب و کار» مناسب را نداشته و از اعتماد به نفس لازم برخوردار نیستند. بدلیل فقدان کیفیت لازم در آموزش عالی اغلب صاحبان صنایع و خدمات شکایت دارند که آموخته های فارغ التحصیلان به روز نبوده و برای اکثر فارغ التحصیلان برای شروع به کار باید دوره های «آموزش های ویژه» به اجرا درآید تا آنان قادر به شروع کار گردند. اغلب دانش آموختگان دانشگاه از عنصر اعتماد به نفس و نوآوری و کارآفرینی بی بهره اند و نمی توانند مصدر «تولیدات موثر» باشند. عدم رعایت استانداردهای آموزشی و تقاضا محور نبودن رشته ها و فقدان ارتباطات موثر با نهاد ها و سازمان ها برای جذب و اشتغال فارغ التحصیلان نیز به این موضوع دامن می زند.

نتایج پژوهش در بخش محیطی نیز موید آن است که خصوصی سازی آموزش عالی در ابعاد مختلف دارای آسیب است. قدرت های جناحی، آموزش عالی را نیز وارد بازی های خود کرده و از آن در جهت اثبات و تبلیغ قدرت خود استفاده می کنند و نیازهای سرزمینی و آمایشی مورد اغفال قرار می گیرد. هم چنین از آن جا که خصوصی سازی آموزش عالی زمینه تحصیل برای اقشار پردرآمد جامعه را فراهم ساخته، نابرابری های آموزشی را تشدید کرده و نه تنها منادی عدالت نبوده بلکه با عدالت در تعارض است. نوسانات اقتصادی و نبود ثبات و امنیت اقتصادی جهت فعالیت مراکز آموزش عالی خصوصی و بی بهرگی از نگرش مثبت جامعه نسبت به کمک های مالی به این مراکز، از دیگر مشکلات خصوصی سازی آموزش عالی در این حوزه است.

با نگاهی به این آسیب های خرد و کلان، همگام با انجام پاره از اصلاحات موثر در سطح سازمانی، بسیار ضروری به نظر می رسد که در سطح کلان مدیریت و سیاست گذاری نظام

آموزش عالی کشور، تبیین دقیق جایگاه، نقش و مأموریت های آموزش عالی خصوصی و ارتقای هدفمندی این فرآیند در راستای پاسخگویی به نیاز جامعه به دقت و با توجه به جزییات و با واقع بینی انجام گیرد. مباحث پیرامون آموزش عالی فرصتی برای فراتر رفتن از قیود سیاست های حزبی، ساختارهای منسوخ و نیز استفاده از بهترین استعداد های دانشگاه برای طراحی مجدد آموزش عالی متناسب با نیاز های آینده است. آینده جمعی ما وابسته به موفقیت در سیاستگذاری صحیح برای آموزش عالی است. ایجاد یک ساختار مناسب برای آموزش عالی یک وظیفه دشوار است که ممکن است طی سال ها و به آهستگی انجام شود.

راهکار های زیر در همین راستا و بر اساس یافته های پژوهش ارائه می گردد:

- تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در آموزش عالی از طریق پیش بینی معافیت های مالیاتی، وام های کم بهره، معافیت های گمرکی، معافیت از عوارض شهرداری ها برای ساخت و ساز و تسهیلات لازم برای اخذ پروانه ساختمانی با گنجاندن تبصره های «قانونی» و تصویب مجلس شورای اسلامی (آسیب سیاستگذاری)
- بازنگری در مقررات و ضوابط جاری وزارت علوم، به نحوی که دانشگاه های بخش خصوصی با آئین نامه های مربوط به خود اداره شوند. (آسیب قانونی)
- حمایت از بورسیه شدن مریدان دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی غیر دولتی غیرانتفاعی جهت بهبود هرم هیأت علمی در این واحدها. (آسیب آموزش)
- افزایش اختیارات هیأت مؤسس و امانا جهت تسهیل در تصمیم گیری های مربوطه، در دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی غیرانتفاعی. (آسیب مدیریتی و سازمانی)
- تشکیل و تقویت هیأت امنای دانشگاه های خصوصی و غیر انتفاعی و در نظر گرفتن سازمانی برای فعالیت آن ها در وزارت علوم
- شفاف سازی سیاست های کلان دولت در زمینه فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی
- تمرکز زدایی و اعطای استقلال دانشگاهی جهت بهره گیری از جابجی بالذات نهادهای خصوصی (آسیب مدیریتی و سازمانی)
- تدوین سند آمایش سرزمینی برای آموزش عالی

منابع

- اردشیری، منصور (۱۳۸۶). خصوصی سازی در آموزش عالی: اهداف، روش ها، تامین مالی و تحلیل هزینه. **فصلنامه مجلس و پژوهش**، سال ۱۴، ش ۵۵، صص. ۳۴۹-۳۷۸
- آراسته، حمیدرضا و جمشیدی، لاله (۱۳۹۳). عوامل تاثیرگذار بر توسعه کمی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران. **مجله علوم تربیتی**، دوره ۲۱، ش ۲، صص ۸۳-۱۱۲.
- تسنیمی، عباس علی و سجادی، سیدمهدی (۱۳۸۰). نقدی بر مبانی نظری خصوصی سازی مراکز آموزش عالی. **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، ش ۲۰، صص. ۱۵-۴۲.
- جعفری، پروش (۱۳۸۹). **مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش**. تهران: عترت نو.
- جمشیدی، لاله و آراسته، حمیدرضا (۱۳۹۱). الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران. **فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران**، سال پنجم، ش ۱، صص. ۱-۳۷.
- ربیعی، علی و نظریان، زهرا (۱۳۹۱). موانع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن ها. **فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران**، سال چهارم، ش ۲، صص. ۱۷۱-۲۰۵.
- رحیمی، سحر، (۱۳۹۲). تحلیل استراتژیک پردیس شماره ۲ دانشگاه شهید بهشتی با استفاده از مدل SWOT. **پایان نامه کارشناسی ارشد. مدیریت آموزشی**، دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ستوده، رضا (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل روند توسعه آموزش عالی دولتی و خصوصی در ایران (مقایسه تطبیقی با کشورهای توسعه یافته). **پایان نامه کارشناسی ارشد. علوم اقتصادی**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان.
- ستوده، رضا (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل روند توسعه آموزش عالی دولتی و خصوصی در ایران (مقایسه تطبیقی با کشورهای توسعه یافته). **پایان نامه کارشناسی ارشد. علوم اقتصادی**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان.
- سعادتمند، فروزنده (۱۳۹۰). میزان رضایت دانشجویان در موسسات آموزش عالی خصوصی. **پایان نامه کارشناسی ارشد. MBA**، دانشکده ی علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران
- صالحی عمران، ابراهیم؛ ابراهیمی، قربانعلی و حسین زاده، ملیحه (۱۳۸۹). بررسی عوامل و انگیزه های پدایش و گسترش دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی در ایران، مطالعه ی موردی: استان مازندران. **مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران**، دوره چهارم، ش ۳، صص. ۸۳-۱۰۷.
- ظریفیان، غلامرضا (۱۳۸۶). آسیب شناسی فرهنگی دانشگاه، **فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۱۰**، صص ۳۹-۳۲
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). **دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله های ایرانی**، تهران: نشر نی، صص ۲۰۶-۲۰۵

- قریشی خوراسگانی، مریم سادات؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ ذاکر صالحی، غلامرضا؛ مهران، گلنار؛ (۱۳۹۶). تحلیل محتوای مقالات حوزه خصوصی سازی آموزش عالی در مجلات علمی کشور. **سیاست علم و فناوری**. شماره ۳۵. صص ۶۱-۷۶
 - کاشف بهرامی، فرهنگ (۱۳۸۶). **حسابداری صنعتی، مدیریت و اقتصادی کاربردی**. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
 - مانزینی، اندرو (۱۳۸۵). **آسیب شناسی سازمانی با رویکردی کاربردی به حل مشکلات و بالندگی سازمانی**. ترجمه علی عطافر، مرضیه قبادی پور، سعید آنالویی. اصفهان: دانش پژوهان برین؛ ارکان دانش
 - مهرپرور، مژگان (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه موسسات آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی با توجه به شاخص های آموزش عالی. **پایان نامه کارشناسی ارشد. مدیریت آموزشی**، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
 - مهرعلیزاده، یداله (۱۳۷۳). خصوصی سازی در آموزش عالی، **فصلنامه مدیریت دولتی**، شماره ۲۶ و ۲۷. صص ۶۰-۷۶
 - میرزایی اهرنجان، حسن (۱۳۸۱). ارائه مدل سه بعدی تحلیل مبانی فلسفی و زیرساخت های بنیادین تئوری های مدیریت. **مجله دانش مدیریت دانشگاه تهران** شماره ۵۶
 - میرزایی اهرنجان، حسن؛ و سرلک، محمدعلی (۱۳۸۴). نگاهی به معرفتشناسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی. **فصلنامه پیک نور**، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۱۱
 - هاشمیان، فخر السادات؛ زندیان، هادی و آقامحمدی، جواد (۱۳۹۴). تحلیل مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش ایران. **فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان**، دوره سوم، ش ۱۲. صص ۱-۲۶
 - یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۱)، **کیفیت در آموزش عالی**، تهران: انتشارات سمت
-
- Altbach, P. G. (۲۰۰۷). The private higher education revolution: An introduction. Tiwari, S. (Ed). Education in India (pp ۲۱۷-۲۲۷), Atlantic Publishers and Distributers.
 - Altbach, P. G., Reisberg L., & Rumbley L. E. (۲۰۰۹). Trends in global higher education: Tracking an academic revolution. Published by UNESCO.
 - Belfield. Clive R. and Levin, Henry M. (۲۰۰۲). Education privatization: causes, consequences and planning implications. UNESCO.
 - Clive R. B. & Henry M. L. (۲۰۰۲). Education privatization: causes, consequences and planning implications. UNESCO: IIEP, Paris ۲۰۰۲. www.unesco.org/iiep

- Crnkovic, B. & Pozega, Z. (۲۰۰۷). Causes and models of privatization in higher education. *Interdisciplinary management reseach. Fourth Symposium. Faculty of economics in Osijec.* .۱۳۴-۱۲۴
- Duczmal. W. (۲۰۰۶). The rise of private higher education in poland: policies, markets and strategies. Ph. D thesis in Universiteit Twente.
- Geiger (۱۹۸۶). Private sectors in higher education: structure, function and chaingers in eight countries. P ۲۰۲
- Kwiek. M. (۲۰۰۳). The State, the Market, and Higher Education: Challenges for the New Country. Kwiek. M. (Ed.) *The University, Globalization, Central Europe* (pp. ۱۱۴-۷۱). New York: Peter Lang
- Levy , D. C., & Zumeta, w. (۲۰۱۱). Private higher education and public policy: a global view. *Journal of coparative policy analysis: Research and practice*, ۱۳(۴). ۳۴۹-۳۴۵
- Lyall, Katharin and Sell, Kathleen (۲۰۰۶). The De facto Privatization of American Public. Higher Education – change – volume ۳۸, Iss. ۱
- Slantcheva-Drust, S. (۲۰۱۰). Private Higher Education in Bolgaria: Making a difference. Kinser, k. et al. (Eds), *The global growth of Private Higher Education* (pp ۵۰-۳۷), Willey Periodacals.
- Tilak, j. B. G. (۲۰۰۸). Private Sector in Higher Education: A Few Stylized Facts. *Social change*, ۳۹(۱), ۲۸-۱
- Varghese, N.V. (۲۰۰۴). "Private Higher Education". UNESCO.
- Yıldırım, M. (۲۰۱۴). Effects of privatization on education quality and equity: Comparison of a public and a private primary school in Turkey. *European Journal of Research on Education*, ۲۰۱۴, Special Issue: Contemporary Studies in Education, .۴۶-۴۰